

برانتز

شهر را امن تر کنیم

| علی عرب‌احمدی | معمار و شهرو ساز

مدیریتی و تأثیر معماری بر فضاهای شهری بسیار جالب و حایز اهمیت است. کارشناسان راهکارهای دیگری در راستای پویایی فضا به‌خصوص در عرصه‌های کوچک مقیاس پیشنهاد می‌کنند که بخشی از این پیشنهادات توسط شهرداری تهران در شهر انجام شده، اما از شهرداری به‌عنوان نهاد بانی و مرتبط در این مسائل انتظار می‌رود نقش کلیدی تر و پیشروتری ایفا کند.

توجه به طراحی و فرم پل‌ها در سطح شهر به جای پل‌های موجود که فاقد هویت و جایگاه لازم به لحاظ نقش عملکردی خود هستند، تأثیر بسزایی به نحوه تعامل مثبت و منفی افراد دارد، ایجاد فعالیت‌های هم‌استا با شکل و کار کرد این ساختارها، هم می‌تواند چنین سامانه‌هایی را پویاتر و هم می‌تواند فضا را از انفعال و روخت خارج کند. مطالعاتی که در مجموعه‌های کارشناسی انجام شده نشان می‌دهد، با نورپردازی در فضاهای مستعد به‌زود در ساعات تاریکی می‌توان میزان بزه را تا بیش از ۶۰ درصد کاهش داد که درصد قابل توجهی است. در گذشته جدار پارک‌ها با المان‌های جداکننده از پیاده‌رو و عرصه‌های مجاور مجزای شده اما با اعمال نظرات کارشناسان این حوزه شاهد بودیم که این حصارها از دور پارک‌ها برچیده شد و عملاً پارک‌ها به جزئی متصل و مرتبط با فضاهای شهری تبدیل شدند، این مسأله باعث شد بسیاری از افراد پیاده، گذر از مسیرهای پارک‌ها را به‌عنوان مسیر میاتر با کیفیت بهتر (حداقل به لحاظ بصری و آب و هوایی) انتخاب کنند و در نتیجه این نگرش به فضا در تشرن و پویایی بیشتر فضای پارک منجر شود.

از دیگر رویکردهای موثر در این بحث می‌توان به مکان‌یابی صحیح به‌منظور اجرای پروژه‌های هنری (نقاشی، گرافیک، محیطی و...) در فضاهای مورد بحث اشاره کرد که باعث پویایی این فضاها می‌شود. ایجاد غرفه‌های خدماتی برای ارایه خدمات به شهروندان تحت‌نظارت سیستم‌های کنترلی (ایستگاه‌های اجاره دوچرخه، کیوسک‌ها و...) باعث فرار کارتن‌خواب‌ها از فضاهای زیر پل‌ها در مرکز شهر می‌شود.

زیباسازی فضای زیر پل‌های روی مسیرها و بزرگراه‌ها به‌منظور ایجاد زیبایی بصری برای شهروندان و ایجاد توجه و تمرکز، نورپردازی در فضاهای مذکور از دیگر اقداماتی است که مملکتنا از طریق کارشناسی‌های میان‌رشته‌ای می‌توان به راه‌حل‌های بهتر و ایده‌آل‌تری دست پیدا کرد.

جهان دوم

نه به تصادف؛ چرا و چگونه؟

۱۸ هزار کشته تنها در سال ۹۲...
 ۸۵۰۰ نفر جوان هستند...
 بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر معلول با مجروح
 در سال...
 می‌گویند جاده‌ها جان می‌گیرند...
 ما همه اینها ۸ میلیون خودرو در کشور بدون بهره‌مندی از بیمه‌های خودروسازان هستیم...
 باید فرهنگمان، جامعه‌مان، سبک زندگی‌مان و عادت‌هایمان را تغییر دهیم...

نیمی از تلفات سرصحنه اتفاق نمی‌افتند...
 در بیش از ۷۰ درصد تصادفات، انسان‌ها نقش اصلی دارند...
 ۲۷/۸ درصد از فوتی‌ها دیپلم و پایین‌تر از دیپلم‌اند...

Ka Fz
 Shared publicly - Nov 5, 2014

نه به تصادف؛ چرا و چگونه؟

18 هزار کشته تنها در سال 92 ...
 از میان آنها 8500 نفر جوان هستند ...
 بین 30 تا 40 هزار نفر معلول یا مجروح در سال ...
 می‌گویند جاده‌ها جان می‌گیرند ...
 ما همه اینها 8 میلیون خودرو در کشور بدون بهره‌مندی از بیمه‌های خودروسازان هستیم ...
 باید فرهنگمان، جامعه‌مان، سبک زندگی‌مان و عادت‌هایمان را تغییر دهیم ...

«دانی» رمز «توانایی» و «کلید» تغییر است...
 کمترین «نه به تصادف» به‌عنوان یک فعالیت مدنی، می‌تواند با افزایش «دانی‌های ایمن» سهم «ما» را در «نه» گفتن به «تصادف» افزون کند...
 به ما پیوندید و ما را یاری کنید ...

Show less - Translate



دیگران

۲۰ سال بعد؛ جامعه بزرگ شکوفا*



برای برنامه‌های اجتماعی اخیر نه‌در‌نه‌زمان جانسون بلکه در دولت‌های نیکسون و جرارد آر فورد رخ داده است. چارلز ماتوری، منتقد بسیاری از برنامه‌های اجتماعی که کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است، کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است، کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است، کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است.

تغییرات تأمین اجتماعی به‌رزه‌نه‌توانان به‌عنوان برنامه‌های اجتماعی که کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است، کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است، کتاب «دست دادن زمین» او به کتاب مقدس است.

فقط طرح سوال جوزف کالیانو جانسون که در مسائل سیاسی داخلی مشاور او شد جانسون بود قصد داشت مقاله‌ای را با عنوان «جامعه بزرگ چقدر بزرگ است» در کنفرانس استین ارایه دهد. او قبل از این که شروع به نوشتن مقاله کند، گفت: «همه کاری که من می‌توانم انجام دهم طرح سوال است. این کشور الان کیجا می‌تواند اگر در مسیر جامعه بزرگ نبود؟ چند کودک نمی‌توانستند به کالج بروند؟ چه تعداد بیشتری از مردم بر اثر کمبود مراقبت‌های مناسب سلامت می‌مردند یا ناتوان می‌شدند؟ سالمندان ما کیجا می‌رفتند اگر دولت هزینه خانه سالمندان را نمی‌داد؟ و هوایمان چطور بود؟ ما همه پاسخ‌ها را نمی‌دانم اما می‌دانم که کشور ما می‌توانست به مراتب بدتر باشد.» اما آقای کالیانو با نگاهی به گذشته، گفت که مشکلاتی جدی را می‌شناسد که در آن زمان پیش‌بینی نمی‌کرد. او گفت: «دولت به سادگی با بسیاری از گوشه و کناره‌های زندگی آمریکا درگیر است».

مازادپزشکان علاوه بر آن، رئیس جمهوری ریگان می‌خواست بعضی از برنامه‌های محیطی جامعه بزرگ که در این سال‌ها به خوبی کار کرده امتحانی کند. از نظر دولت او دیگر به این برنامه‌ها نیازی نبود. برای مثال از نظر او به جای کمبود پزشک، مازاد پزشک و دندانپزشک وجود داشت و دیگر نیازی به آموزش متخصصان سلامت نبود. اما با چند استثناء به‌ویژه سیاست‌های کنترل قیمت‌ها، صرفه‌جویی عمده ارایه شد توسط رئیس جمهوری ریگان، برنامه دولت‌های نیکسون و فورد را هم شامل می‌شد.

فراموشی مسوولیت اجتماعی در مکان‌های عمومی

جایی خالی نیست



من به شخصه همیشه وقتی فرد ناتوان خصوصا پیرزن یا پیرمردی را می‌بینم، به یاد پدر و مادر خودم می‌افتم که اگر زمانی خسته باشند یا پیر شوند، بر خود دیگران با آنها چگونه خواهد بود؟ شاید بخش بزرگی از خواست من برای رعایت این هنجار نیز توجه به همین مورد بوده باشد. همین که اگر نزدیکانم در چنین موقعیتی قرار گیرند، یا اگر خودم خسته و ناتوان شوم دیگر افراد جامعه با من چگونه برخورد خواهند کرد؟ فکر به این موارد در اکثر مواقع عملی می‌شود که بخوادم به افراد ناتوان در اماکن عمومی کمک کنم یا جای خود را به آنها بدهم. حمید ۴۵ ساله نیز در این خصوص می‌گوید: «این دست از هنجارها بیش از آن که اجتماعی باشند، مواردی فردی هستند و بسته به نوع نگاه فرد و حسی که از انجام آن عمل به دست می‌آورد، فرق می‌کنند.

دیوید روزنباوم | ترجمه طرح نو | بیست سال پیش، اینها، حقایق جامعه آمریکا بودند: نیمی از همه آمریکایی‌های بالای ۶۵ سال، هیچ حق بیمه درمانی نداشتند و یک سوم سالمندان، در فقر زندگی می‌کردند. بیش از ۹۰ درصد افراد بزرگسال سیاهپوست در بسیاری از شهرهای جنوبی اجازه ثبت‌نام برای رای‌گیری نداشتند. در سراسر کشور، در همه سطوح دولتی، تنها چند صد سیاهپوست صاحب منصب، انتخاب شده بودند. تنها یک سوم کودکان ۵ تا ۱۳ ساله در کودکان‌ها و مهدی‌های کودک، حضور داشتند. امروزه بیشتر آمریکایی‌ها آن شرایط را غیر قابل قبول می‌دانند که دلیل عمده آن، تصویب قوانینی در ۱۹۶۵ توسط «جانسون» بود که برای رسیدن به چیزی بود که خود او، «جامعه بزرگ» (Great Society) می‌نامید. قوانین High-water نه‌تنها مربوط به قوانین حقوق مدنی بود، بلکه قوانین حقوق رای دادن، خدمات درمان، خانه دار شدن و اقدامات عمده در مورد مهاجرت، تحصیل، کنترل اسلحه و پالودگی هوا و آب را نیز در بر می‌گرفت. امروزه تقریباً هر فرد سالخورده‌ای تحت پوشش بیمه درمانی است و افراد مسن نیز فقیرتر از کل آمریکایی‌ها هستند. سیاهپوست‌ها تقریباً به‌طور یکسان و به اندازه سفیدپوست‌ها رای می‌دهند و تقریباً ۶۴ هزار سیاهپوست، صاحب منصب نمایندگی هستند. قسمت اعظم کودکان نیز در پیش‌دستانی‌ها حضور دارند.

رئیس جمهوری ریگان از این برنامه‌ها به‌عنوان اسراف‌گری‌های جامعه بزرگ یاد کرده است و حکومت وی میزان افزایش برخی از اقدامات جامعه بزرگ را کاهش داده است. اگرچه میزان مخارج زیادتر شده است. مجلس سنا برنامه دارد که هفته بعد در مورد برخی پیشنهادهای او بدهد. پیشنهادهایی که در حقیقت ممکن است میزان مخارج را در زمینه چنین برنامه‌هایی کاهش دهد و چندین برنامه دیگر را نیز به‌طور کامل لغو کند. اما لیبرال‌ها و محافظه‌کارها توافق دارند که این کاهش‌ها تا به حال کم بوده و کم خواهند شد و فعالیت‌هایی که ممکن است لغو شوند حاشیه‌ای‌وبی‌اهمیت هستند.

برغم همه اینها بایه‌های جامعه بزرگ - بیمه‌های درمانی، کمک دولت به آموزش، حقوق سیاهپوست‌ها برای رای دادن و استناد از امکانات تجاری - به‌طور متفق‌القول از سوی سیاستمداران و محققان تبدیل به بخش‌های ثابت سیستم شده است. آقای واتنبرگ یکی از افرادی است که از زمان جامعه بزرگ باقی مانده و قرار است در کتابخانه جانسون دانشگاه تگزاس در کنفرانس یک بررسی ۲۰ ساله درباره جامعه بزرگ شرکت کند. طبع گفته ادوین آل دیل، سخنگوی دیوید استامتن مدیر اداره بودجه با آقای واتنبرگ است که برنامه بیمه درمانی امروزه است. بیشتر این قسمت شبکه امنیت جامعه در دوران جامعه بزرگ محقق شد و هر چیزی را هم که کاهش بدهیم این شبکه امنیت دست نخورده‌ای خواهد ماند.

اصطلاح جامعه بزرگ توسط جانسون در یک سخنرانی در دانشگاه میشیگان در می ۱۹۶۴ ابداع شد. او اعلام کرد که ما این شانس را داریم که نه‌تنها به سوی یک جامعه غنی‌تر و قدرتمند بلکه به سوی جامعه بزرگ برویم. اگرچه برغم این که برخی از اقدامات جامعه بزرگ در ۱۹۶۴ و برخی نیز در ۱۹۶۶ و بعد از آن اجرا شدند، عناصر اصلی برنامه جانسون بیشتر در طول یک دوره ۱۱ ماهه در ۱۹۶۵ تأیید شد. جانسون در یک انتخابات برای آقای گولدو پیرز شده بود. برای اولین بار در این قرن به استثنای آن سال در اواخر ۱۹۲۰ این اولین باری بود که یک حزب یک رئیس‌جمهوری اکثریت دو

طرح نو | وارد که می‌شود دستش به میله‌های بالای قطار نمی‌رسد. چشم می‌چرخاند، جایی خالی نیست. برخی با دیدنش خود را به خواب می‌زنند و برخی دیگر مشغول کاری می‌شوند. به گوشه‌ای پناه می‌برد که تکیه دهد تا ناتوانی‌اش، پیری‌اش یا حرکت قطار عینین نشود و بر زمین بیفتد. این نه‌تنها شرح حال افراد مسن، بلکه شرح حال بسیاری دیگر از افراد ناتوانی است که در وسایل نقلیه عمومی با بی‌مهری مواجه می‌شوند و کسی حاضر نیست تا با دادن جانی خود به آنها مسیر نه‌چندان بلند را ایستاده طی کند. این بی‌مهری که در خلق برخی از افراد جامعه نهادینه شده، در کنار نبود امکانات رفاهی برای این افراد بیش از پیش به چشم می‌آید و خود عامل نگرانی‌های بسیار و به نوعی تهدید برای زندگی اجتماعی و همبستگی به شمار می‌رود. عرف، هنجار یا اخلاق، نامش هر چه باشد، دعایت کردنش اما برای جامعه به گمان بسیاری ضروری است. برخی دیگر اما آن را هنجار نمی‌دانند و به همین دلیل نیز به رعایت نکردنشان را به ضدهنجار بدل کرده‌اند. از این‌رو نحوه مواجهه افراد و دلایل آنان برای این امر نیز با یکدیگر متفاوت است و شامل دلایل شخصی و اجتماعی گوناگونی می‌شود. سامانه ۱۱ سال سن دارد و بندل شدن این هنجار، به ضدهنجار و انتقامی می‌داند که در جامعه کنونی ما بسیار مشهود است و بسیاری از افراد، دیگر به هنجارها و اخلاقیات گذشته اعتقادی ندارند. وی در این باره می‌گوید: «به صورت کلی بلندشدن برای افرادی که توانایی ندارند در مکان‌های عمومی، از جمله هنجارها و کارهایی است که انجام دادن آن همیشه سفارش شده اما در حال حاضر ما شاهد این حقیقت هستیم که بسیاری از افراد، به‌ویژه جوانان این هنجار را به ضدهنجار بدل کرده و از انجام آن سر باز می‌زنند. اما